

Research Article

Investigation of Quranic Intertextuality in Faiz Kashani's Poems

Peyman Memarzadeh^{1*}, Esmaeil Eslami²

Abstract

Intertextuality is the relationship between two words and in a deeper sense, the relationship between two or more texts. One of the reasons for the content and richness of Persian poetry is the Quranic intertextuality in the poetry of poets and writers. Among these famous poets is the late Mullah Mohsen Feyz Kashani, who was one of the leaders of science, jurisprudence and interpretation in the Safavid era. In fact, Faiz can be mentioned as a scientist who has style in various scientific fields. In this article, we are looking for the amount of intertextuality and the blending of the poems of this great philosopher with the Holy Quran. The result of this research was that Faiz Kashani had many influences from the verses of the Quran and Feyz's poetry is actually an interpretation of the Holy Quran and narrations in such a way that there are Quranic references everywhere in his works. In Quranic intertextuality, he has used most of all the method of translation in the form of lexical and reporting, and he has used most of the famous and widely used verses in guarantees.

Keywords: Intertextuality, Quranic Intertextuality, Translation, Holy Quran, Feyz Kashani

How to Cite: Memarzadeh P, Eslami E., Investigation of Quranic Intertextuality in Faiz Kashani's Poems, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;15(60): 123-148.

1. Faculty Member, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran

بررسی بینامتنیت‌های قرآنی در سروده‌های فیض کاشانی

پیمان معمارزاده^{۱*}، اسماعیل اسلامی^۲

چکیده

بینامتنی رابطه دو لفظ و در مفهوم عمیق‌تر، رابطه میان دو یا چند متن با یکدیگر است. یکی از علل پرمحتوایی و غنای شعر فارسی بینامتنیت‌های قرآنی در شعر شاعران و نویسندگان است. از جمله این شاعران نامور، مرحوم ملا محسن فیض کاشانی است که از سرآمدان علم و فقه‌ت و تفسیر در دوره صفوی بوده است. در حقیقت می‌توان از فیض به عنوان دانشمندی نام برد که در عرصه‌های مختلف علمی صاحب سبک بوده است. در این نوشتار به دنبال میزان بینامتنیت‌ها و آمیختگی اشعار این فیلسوف بزرگ با قرآن کریم هستیم. ماحصل این پژوهش آن شد که فیض کاشانی تأثیرپذیری‌های فراوانی از آیات قرآن داشته و دیوان شعر فیض در حقیقت تفسیری بر قرآن کریم و روایات است به گونه‌ای که در جای جای آثار وی اشارتی قرآنی وجود دارد. وی در بینامتنیت‌های قرآنی بیش از همه از شیوه ترجمه به آن هم به صورت واژگانی و گزارشی بهره و در تضمین‌ها هم بیشتر آیات مشهور و پرکاربرد را به کار برده است.

واژگان کلیدی: بینامتنیت، بینامتن قرآنی، ترجمه، قرآن کریم، فیض کاشانی

۱. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران

ایمیل: p.memarzadeh@pnu.ac.ir

نویسنده مسئول: پیمان معمارزاده

مقدمه و بیان مسئله

اثرگذاری میراث گراندقدر عرفا در تربیت نسل‌ها به وضوح قابل مشاهده است. آنچه سبب هدایت بزرگان در صراط مستقیم بوده، همانا دریافت‌هایی از قرآن و سنت نبوی است؛ چرا که گویی درون‌مایه‌های اشعار و آثار این بزرگان خمیرمایه‌ای آسمانی دارد.

راشد محصل معتقد است: «اگر در دوره‌ای ناصر خسرو مضامین قرآنی، احادیث نبوی و کلام امیرمؤمنان را برای بیان اعتقادات خویش به کمک می‌گیرد و تجلیل و تجلیل و تبلیغ آن را یک وظیفه دینی می‌شمارد، علاوه بر مراتب ایمان او و سرسپردگی‌اش به احکام دینی و مسائل اعتقادی مبین تشخیص درست وی در گزینش قوی‌ترین جاذبه‌ها برای پذیرش سخنانش نیز هست» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۳۰).

همچنین فصاحت و بلاغت معجزه آسای قرآن نه تنها ادبای عرب زبان که ادبا و شعرای فارسی زبان را نیز مسحور و مفتون خویش ساخته است تا آنجا که قرآن را برترین الگوی ادبی خویش قرار دادند. از شیوه‌های بلاغی آن بهره بردند.

راهیابی به قرآن و مکتب اهل بیت در آثار بزرگانی مانند حافظ، عطار، مولوی، فیض کاشانی و ... یک شبه حاصل نشده است. بر ماست که آثار گراندقدر این بزرگان را حفظ و برای تربیت نسل‌های آینده از آن‌ها بهره گیریم. از جمله این بزرگان مرحوم فیض کاشانی است که اشعارش دارای مضامین و مفاهیم والایی برگرفته از قرآن کریم است، که در حقیقت تفسیری دیگر به زبان اهل عرفان و ادب از این کتاب مقدس می‌باشد. در واقع اشعار فیض راز و نیازی عاشقانه و درخور تأمل است. سپاسگزاری و شکر از این میراث گراندقدری که از بزرگان بر جای مانده، در گرو سپردن آن‌ها به اهل فن است.

بر هر انسان اهل معرفتی واجب است تا بکوشد این میراث حفظ گردد. از جمله آثاری که باید حفظ گردد، می‌توان به آثار مرحوم فیض کاشانی و به خصوص اشعار وی اشاره کرد. اشعار مرحوم فیض بسی نقض و دلکش است. در واقع اشعار فیض تفسیری به زبان عارفانه و صوفیانه از قرآن کریم می‌باشد. کاوش و دقت در لابلای اشعار فیض دریچه‌ای است که می‌توان از طریق آن به دنیای عارفانه او گام نهاد. با مطالعه آثار مرحوم فیض می‌توان به این نتیجه رسید که اشعار وی تا حد زیادی تحت تأثیر شاعرانی چون مولوی و حافظ بوده است. در جای جای سخنان فیض متوجه اثرپذیری او از سخن مولوی و حافظ می‌شویم. شعر فیض ما را به راه درست رهنمون می‌کند؛ چرا که طریقت آن عشق و نیکویی است. فیض خواندن شعر حافظ را سفارش کرده و آن را ستوده است.

اشعار بود بیکار الا غزل حافظ

لطف سخن و اسرار الا غزل حافظ

ای یار مخوان ز اشعار الا غزل حافظ

در شعر بزرگان جمع کم یابی تو این هر دو

دل را نکند بیدار الا غزل حافظ	استاد غزل سعدیست نزد همه کس لیکن
آن نیست به هر گفتار الا غزل حافظ	... شعری که پسندیده است آنست که آن دارد
شعری که بود مختار الا غزل حافظ	ای فیض تتبع کن طرز غزلش چون نیست

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۲۰۶)

در واقع فیض مفسر است و شعرش آمیزه‌ای با آیات الهی است. بنابراین تناس در اشعار وی به فراوانی یافت می‌شود. اولین و دومین غزل دیوان او تفسیر عارفانه‌ای از سوره زلزله است و سومین غزل نیایشی موحدانه را در بر می‌گیرد. در دیوان فیض گرایش‌های عارفانه و دریافت‌های مذهبی بسیار است که در نتیجه فطرت خداجوی وی چنین آثاری خلق گشته است.

دیوان اشعار فیض کاشانی مجموعه‌ای از غزلیات و تعداد اندکی از رباعیات را در بر دارد. این مجموعه بیش از ۵۰ رباعی را در خود جای داده است. فیض به دلیل احاطه علمی بر فنون مختلف و علوم دین، کلام و فلسفه اشعار بسیار پرمحتوایی دارد. فیض در شرح حال نویسی چندان مورد توجه نیست، لیکن در بین دانشمندان علوم دینی از سرآمد آنان به حساب می‌آید. اهتمام وی به استعمال آیات و روایات وی را در جرگه بزرگ‌مردان تاریخ قرار می‌دهد که در جهت اعتلای شریعت محمدی گام برداشته‌اند. او در جامعه ادب بیشتر به عنوان فقیه، دانشمند و فیلسوف شناخته می‌شود تا سخن پرداز و شاعر (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۵).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های درخور تأملی درباره بینامتن‌های قرآنی در اشعار شاعران صورت پذیرفته که می‌توان به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره کرد:

رضا کیانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین پور»، در شعر امین پور انواع گوناگون اقتباس از جمله: تلمیح، تحلیل، اثرپذیری واژگانی، اثرپذیری گزاره‌ای و... را بررسی نمودند و دریافتند که امین‌پور اثرپذیری امین پور از قرآن کریم با چنان ظرافتی همراه است که پی بردن به اصل و ریشه سروده‌هایش اغلب کاری دشوار و نیازمند دقت و تأمل فراوان است. مختاری و محبی (۱۳۹۳)، در مقاله «بینامتنی قرآن و نهج البلاغه در اشعار خیام نیشابوری و ابوالعلاء معری»

سروده‌هایی از این دو شاعر را که متأثر از قرآن و نهج البلاغه بوده بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که از جمله شاعرانی که تحت تاثیر این منابع برجسته دینی قرار گرفته‌اند، خیام نیشابوری و ابوالعلاء معری می‌باشند. این دو شاعر در سروده‌هایشان با تأثر از قرآن کریم و نهج البلاغه، گاه واژگان

را در متن شعری خود وارد ساخته و گاه با الهام از مفاهیم و آموزه‌های آن‌ها، محتوا و مضامین متعالی آن‌ها را در قصیده‌های خود تداعی ساخته‌اند.

خانی کلقای و سیاح، (۱۴۰۰)، «بینامتنی قرآنی-روایی در دفتر ششم مثنوی معنوی»، آیات قرآنی یا روایت‌های مرتبط با آن را بررسی نمودند و دریافتند که مثنوی معنوی هم به لحاظ صوری و ساختاری و هم از حیث محتوایی، تحت تأثیر آیات قرآن و روایات مأثور بوده است. میزان این تأثیر پذیری تا بدان جاست که ردپای آیات و روایات در سراسر ابیات مثنوی و از جمله دفتر ششم به طور آشکار قابل مشاهده است.

اما تاکنون پژوهشی بینامتنیت‌های قرآنی را در اشعار فیض کاشانی مورد بررسی قرار نداده است.

مبانی نظری پژوهش

معرفی فیض کاشانی

محمد بن مرتضی معروف به ملا محسن فیض کاشانی (زاده ۱۰۰۷ در کاشان - درگذشته ۱۰۹۰ هجری قمری در کاشان) (۹۷۷-۱۰۵۸ هجری شمسی)، حکیم، و عارف و شیعه مذهب دوره صفوی بود و در اواخر عمر خود توبه نامه و رسالتی را به رشته تحریر در آورد. نام او محمد محسن، مشهور به ملا محسن، و تخلص ایشان فیض بوده است. شیخ ملا محسن فیض کاشانی، داماد اول ملاصدرای شیرازی بوده است. فیض کاشانی در فقه و اصول و فلسفه و کلام و علم یقین و تفسیر قرآن و شعر و ادب آثاری ارزشمنندی از خود به یادگار گذاشته است (فیض کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۴).

پادشاهان معاصر فیض مانند اسلاف خویش در حمایت از مذهب و علمای مذهب کوشا بودند. شاه عباس اول که فیض کاشانی حدود سی سال نخست زندگی خود را در دوران پادشاهی او گذرانده است؛ با علاقه به ترویج و تقویت مذهب تشیع می‌پرداخت، به دیدن علما می‌رفت و برخی از آنان را در موکب خود، هم سفر می‌ساخت. شاه صفی و شاه عباس دوم نیز همانند گذشتگان خود در بزرگداشت آیین شریعت و علمای مذهب اهتمام بسیار داشتند. (ر.ک: کلاتر ضرابی، ۱۳۷۴: ۵۰۴-۵۰۵). فیض با پادشاهان زمان خود تبادل فکری نیز داشت تا جایی که در زمان شاه عباس دوم، اقامه نماز جمعه در شهر اصفهان را از جانب پادشاه قبول نمود و متصدی امور مذهبی در اصفهان گردید (ناجی نصرآبادی و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۵۵).

به نظر امینی «وی علمدار فقه، پرچمدار حدیث، مشعلدار فلسفه، گنجینه عرفان و کوه عظیم اخلاق و امواج خروشان علم و معرفت- در زمان خویش بوده است» (امینی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱/۳۶۲). فیض کاشانی خود را چندان با مسائل حکومت درگیر نکرده است و تنها برخی از امور دینی- سیاسی

مانند نماز جمعه را قبول کرد و از دخالت در امور صرفاً سیاسی سرباز زده و این امر بیشتر به شخصیت علمی وی برمی‌گردد.

بینامتنیت

این اصطلاح در ابتدا در ادبیات غرب شکل گرفت. اما از ابتدای خلق تمامی آثار وجود داشته است. ژولیا کریستوا در هنگام بررسی آرای باختین، برای نخستین بار این واژه را به کار برد. در واقع بینامتنیت یعنی همه متون در سایه هم و با تأثیر از یکدیگر به طور هم‌قدم پا به عرصه وجود گذاشته‌اند (سلیمی کوچی، ۱۳۹۳: ۸۳).

بینامتنیت به رابطه تفسیری و معناشناختی توجه دارد و منظور از بینامتنی در تفسیر قرآن نیز توجه به روابط نشانه شناختی و معناشناختی است که دیگر متون می‌توانند با قرآن داشته باشند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۴۴).

روابط بینامتنی از حساس‌ترین و جدی‌ترین مباحث حوزه نقد متن است و منظور این هست که هر متنی ناظر به متون پیشین است و هنگامی که مطالعات متنی صورت می‌گیرد توجه به نوع رابطه‌ای که این متون با هم دارند، اهمیت بسیار می‌یابد (پاکتچی، ۱۱۰). اصل اساسی نظریه بینامتنیت این هست که هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن‌ها پیوسته بر اساس متن‌های گذشته بنا می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷). کسی که فهم یک متن را به عهده دارد، می‌بایست رابطه آن متن با سایر متون را تعیین کند. جهت فهم یک متن تنها توجه به روابط درون متنی کارساز نیست و می‌بایست به رابطه متن با سایر متون نیز توجه کند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۱۳) و مهم‌ترین هدف آن، کشف نشانه‌ها و آثار مثبت متون دیگر بر یک متن است؛ زیرا بینامتنیت مطالعه و بررسی روابط موجود میان متن حاضر و متون دیگر است، به‌طوری که خواننده را در درک عمیق‌تر و فهم بهتر یک متن یاری می‌رساند. با نگاهی به آثار ادبی می‌توان دریافت که ادبا از میراث کهن به ویژه میراث دینی، بهره فراوانی برده، و از آن مرجعی غنی برای آثار ادبی خود ساخته‌اند. قرآن کریم در رأس میراث دینی قرار دارد که در حقیقت می‌توان آن را به عنوان منبعی کامل دانست، که ادبا در تمام دوران نه فقط در ادبیات عربی بلکه در ادبیات جوامع اسلامی از آن متأثر گشته‌اند (امانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۷).

بینامتنیت قرآنی در سروده‌های فیض کاشانی

در این بخش ابتدا توضیح مختصری از هر نوع ارایه شده، سپس به ذکر نمونه‌هایی از هر مورد در اشعار فیض کاشانی می‌پردازیم.

اثرپذیری واژگانی

اثرپذیری واژگانی به این معنی است که شاعر پاره‌ای از واژگان یا ترکیبات را به کار می‌برد که ریشه در قرآن و حدیث دارند. این نوع از اثرپذیری به سه حالت در بافت کلام قابل مشاهده است.

وام‌گیری

شاعر واژه یا حدیثی را به همان صورت عربی و بدون تغییر در کلام خود به کار می‌برد. این مورد در شعر شاعران و عرفا به فراوانی دیده می‌شود و مرحوم فیض نیز از این روش استفاده کرده است. در این روش یک ترکیب قرآنی یا حدیثی بدون هیچ دگرگونی یا با اندکی تغییر لفظی یا معنوی بدون آنکه ساختار عربی دچار خلل شود به زبان و ادب فارسی راه پیدا می‌کند.

کش کشانش از ره سَجّین به علّین رسان وصل کن با عروه و وثقای خود دستان فیض

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۰۴)

در مصرع نخست سَجّین برگرفته از آیه ۷ و ۸ سوره مطفّین و عروه و وثقای وام‌گیری از آیه ۲۵۶ سوره بقره است.

صبح و شامش را بخود کن تا نبیند غیر تو هم غدوش را منور ساز، هم آصال فیض

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۵۹)

غدو و آصال در مصرع دوم بیت برگرفته از آیه ۲۰۵ سوره اعراف، آیه ۱۵ سوره رعد و آیه ۳۶ سوره نور است. واژه «سلسبیل» واژه قرآنی در آیه ۱۸ سوره انسان است که عیناً مورد استفاده فیض قرار گرفته است.

در آب مزاج زنجبیل است گوئی از عین سلسبیل است

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۲۱)

مرحوم فیض در این ابیات، الفاظ قرآنی «زلزال» (زلزال / ۱)، «اثقال» (زلزال / ۲)، «الست» (اعراف / ۱۷۲) را استفاده کرده است:

هان رستخیز جان رسید شد در بدن زلزال‌ها افکند تن اثقال‌ها بگشود جان را بال‌ها

(همان: ۴۷۳)

مرا کشت رنج خمار الست

دگر باره از نوشرابی فرست

(همان: ۵۳۳)

در نمونه دیگر چنانکه مشاهده می‌شود، مرحوم فیض واژگان قرآنی «لدن»، «قد نجا»، «ما اوحی»، «هل اتی»، «انما»، «الست»، «ذوالاوتاد» و... را به کار برده است:

کمتر بیتی از سروده‌های وی را می‌توان یافت که در آن تناس‌های قرآنی به کار نرفته باشد. مانند نمونه زیر:

از خدا گیرد و بما گوید	کو سلیمان که رمز منطق طیر
از لدنا اشاره‌ها گوید	کو خضر تا که موسی جام را
من ركب فيه قد نجا گوید	نوح کو تا که کشتی سازد
لا احبی بما سوی گوید	کو خلیلی که رو بحق آرد
روبرو حرف با خدا گوید	کو کلیم الهی لقا جوئی
خبری چند از سما گوید	کو مسیحی که مرده زنده کند
با احبا و اولیا گوید	کو محمد که سر ما اوحی
تا ز حق شمه بما گوید	کو علی آن در مدینه علم
رمزی از سر انما گوید	یا چو جامی ز هل اتی نوشد
هر سر موی من بلی گوید	تا بگوشم رسد ندای الست
وگر فرعون، ذوالاوتاد می‌باش	چو ببینی موسی می‌باش هارون

(فیض کاشانی، ۱۳۷۰: ۸۹۳)

در هر بیتی از این سروده به آیه‌ای اشاره شده است: بیت نخست (نمل/۱۶)؛ بیت دوم (کهف/۶۵)؛ بیت سوم (هود/۱۱)؛ بیت چهارم (انعام/۱۶۵)؛ بیت پنجم (آل عمران/۴۹)؛ بیت هفتم (جن/۱)؛ بیت نهم (انسان/۱)؛ بیت یازدهم (الفجر/۱۰)

به عاد ار بگذری می‌باش صرصر

چو بر خوردی به هودی هاد می‌باش

این بیت نیز اشاره‌ای است به آیه ۶ سوره الحاقه.

ترجمه

در این روش عین واژه عربی به فارسی ترجمه می‌شود. سپس در ترکیب شعر استفاده می‌گردد. به عنوان مثال واژه‌های «محو» و «اثبات» ترجمه‌ای از «یَمحو» و «یثبت» است.

بر سعادت نه بنای سرنوشتش يك به يك از ره اثبات و محو آباد كن آزال فیض
(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۵۹)

در بیت زیر «قرآن خواندن» معادل «تلیت» و «خضوع جان» معادل «وجلّت قلوبهم» است.
خواندن قرآن و فهمیدن به آواز حزین با خضوع جان و تن از اهل قرآن خوش نماست
(همان: ۱۹۰)

واژه روزه ترجمه «صیام» و نماز ترجمه «صلاه» است.
گر نبود قوت نان روزه کجا می توان در حرکات نماز قوت نان یاور است
(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۵۶)

واژگان آفرینش، باغ، فردوس و بهشت در بیت زیر ترجمه‌ای از واژگان قرآنی «خلقت»، «جنه» و... می‌باشد. این واژگان در آیاتی مانند سوره دخان آیه ۲۵ (كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ)، سوره غافر آیه ۸ (رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ)، سوره نبا آیه ۱۶ (وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا) و... آمده است.

آتش است این عشق یا آب حیات یا بهشت و کوثر و رضوان ما
فردوس جای ما و ملک همنشین حور کز خاک آن سرای بود خاک پاک ما
در بیت زیر نیز اشارتی است به سوره مؤمنون آیه ۱۲: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. بیت دوم نیز اشاره به آیه ۳۶ سوره آل عمران دارد که می‌فرماید: وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ او و فرزندانش را از شرّ شیطان رانده شده در پناه تو آوردم.

در بدو آفرینش و تخمیر آب و گل با آب و تاب عشق سرشتند خاک ما
(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۸۱)

مگذار بدام نفس افتد از چنگ دیو جسته‌ای را
(همان: ۱۹)

در بیت زیر اشاره‌ای به سوره قدر آیه ۱ شده است که می‌فرماید: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم.

شب قدر و ملائک جمله حاضر مهل ساقی مرا هشیار امشب

(همان: ۳۰)

مرحوم فیض با توجه به آیه دوم سوره رعد، اینگونه سروده است:

آنکه دارد آسمان را تا نیفتد بر زمین هم زمین را تا بجنبد هر زمان پیداست کیست

(همان: ۵۴۰)

قرآن کریم می‌فرماید: *اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ* خداست آن ذات پاکی که آسمان‌ها را چنان که می‌نگرید بی‌ستون برافراشت آن‌گاه بر عرش (قدرت بر وجود کل) قرار گرفت.

اثربرداری برآیندسازی

در این روش شاعر با توجه به پیش‌فرض‌های ذهنی خود یک آیه یا حدیث و مضمون آن را در واژه یا ترکیبی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر در این شیوه واژه یا عبارتی بدون اینکه خودش به صورت ترکیب آمده باشد، به صورت برآیند و فرآورده‌ای از قرآن یا حدیث به کار می‌رود. مانند «ید بیضا» در ابیات زیر:

ظاهرش موسویست بیضاء ید باطن او ولید ذوالاوتاد

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۷۰)

گاهش ید بیضاء دهد، در تیه گاهش جا دهد گاهش بمن سلوی دهد، ما العشق الا معجزه

(همان: ۳۸۴)

که برآیندسازی از آیات ۲۲ سوره طه، ۱۲ سوره نمل و ۳۲ سوره قصص است.

«قلیل ضحك» و «كثير بكا» در بیت زیر که از آیه ۸۲ سوره توبه برآیندسازی شده است:

قلیل ضحك و كثير بكاست در قرآن اشارتی که ترا نیست به از این کاری

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۹۱)

«دار الغرور» ترکیب دیگری است که فیض در بیت زیر از آیه ۱۸۵ سوره آل عمران برآیندسازی کرده است.

جز دوسه از اهل حق برده زباقي سبق تارك دارالغرور طالب دارالقرار

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۸۸)

فیض در این ابیات از واژگانی مانند روزی بدان، حکم، عدل، گواهان و نیکان استفاده کرده است، بدون اینکه نامی از «محشر»، «اصحاب یمین»، «اصحاب شمال»، «شهید»، «سؤال» و ... بیاورد.

در آن روزی که جمع آیند نیکان و بدان یکسر
طمع دارم که چون نوبت به آن مجرم رسد ناگه
گواهان را برای حکم عدل خویش بنشانی
کنی رحم و نفرمایی که تو اینی و تو آنی
(همان: ۴۳۰)

مرحوم فیض در بیت زیر بدون استفاده از واژه قرآنی از مفهوم آن استفاده کرده است:
خود همه فقرم و حاجت همه بخلم همه
ز تو بخشایش وجودم ز تو سرمایه و سودم
حاجت
مرحوم فیض در این ابیات به آیاتی اشاره می‌کند که نیازمندی انسان و بخل او را نشان می‌دهد.
علاوه بر آن به آیه‌ای اشاره کرده که عزت را تنها از آن خدا دانسته است (همان: ۲۵۴).
زاهدان قدح بردار این چه غیرت خام است
زهد خشک را بگذار رحمت خدا عام است
(همان: ۴۹)

در این بیت به مفهوم رحیم بودن و رحمانیت خداوند اشاره کرده است (بسم الله الرحمن الرحيم).
با زبان حال گوید در بهار اشکوفه‌ها
هرچه لطفست اینکه در ما از خدای اکبر است
(همان: ۴۹)
خداوند در سوره یوسف آیه ۱۰۰ می‌فرماید: اِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ اِنَّهٗ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ خدای
من لطف و کرمش به آنچه مشیتش تعلق گیرد شامل شود و هم او دانا و محکم کار است و در سوره بقره
آیه ۲۵۵ می‌فرماید: وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضُ؛ قلمرو علمش از آسمان‌ها و زمین فراتر است. فیض
با توجه به این آیه بیت زیر را سروده است:
سر من کرسی سلطان عشق است
دل من معنی عرش برین است

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۵۹)
در آیه ۶۹ سوره انبیا آمده است: قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيمَ (پس آن قوم آتشی سخت
افروختند و ابراهیم را در آن افکندند) ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش (آتش
به خطاب خدا گل و ریحان گردید).

گر در آتش بایدم رفتن در این ره می‌روم تا
چو ابراهیم آن آتش گلستان‌ها شود
(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۶۲)

اثربرداری گزارشی

منظور از اثربرداری گزارشی این است که مضمون و محتوای حدیثی یا آیه به شکل تفسیر و ترجمه در شعر تبلور یابد. در این نوع گاه شاعر متن را نقل و قول و نام گوینده را نیز ذکر می‌کند و گاه بدون نقل قول و ذکر نام گوینده است. گاه نیز آن آیه را به صورت گزارشی از زبان خود در شعر می‌آورد. در واقع در ترجمه بسته، واژه فارسی در معنا و مفهوم با واژه عربی یکی است. هم‌چنین در ساختار بیانی با آن یکسان است.

ترجمه

ترجمه در اثربرداری گزارشی گاه تحت اللفظی و بسته و گاه ترجمه ای آزاد است. فیض کاشانی در بیت زیر بیان می‌دارد که به رحمت خداوند امید دارد؛ زیرا خداوند می‌فرماید فقط کافران از رحمتش مأیوس می‌شوند.

از رحمت تو امیدواریم وز لطف تو چشم عفو داریم

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۱۲)

که ترجمه ای است از آیه ۸۷ سوره یوسف که خداوند می‌فرماید: «يَا بَنِي اٰدَمُ اٰذْكُرُوا اللّٰهَ حَقَّ حَقِّهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ رُوحِ الشَّيْطَانِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ الْاَمَلِ وَلَا يَنْصَحُ بِالْعَمَلِ» (یوسف و آخیه و لا تتأسوا من روح الله إنه لا يتأس من روح الله إلا القوم الكافرون).
یا بیت:

چون خلق کرد و تصویر، تعلیم کرد اسما فرمود پس ملک را کارد سجود ما را

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۲۴)

ترجمه ای است از چهار آیه:

(۱) آیه ۲ سوره اعلی: «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى»

(۲) آیه ۳۱ سوره بقره: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»

(۳) آیه ۲۹ سوره حجر: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»

(۴) آیه ۱۱ سوره اعراف: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ»

در نمونه ای دیگر فیض اتفاقات و پیشامدهای سوء و نامطلوب را از جانب خود انسان می‌داند که ترجمه ای است از آیه ۷۹ سوره نساء که در آن خداوند می‌فرماید: «هر چه از انواع نیکویی به تو رسد، از جانب خداست و هر بدی رسد، از خود توست».

از ماست آنچه بر ماست چون طینتست ممزوج
سر می زند بدی ها، از تاروپود ما را
(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۲۹)

تفسیر

در نوع تفسیری اثرپذیری شاعر آیه قرآن یا مضمون را در ابیات گوناگون، شرح می دهد و تبیین می کند. به عنوان نمونه بخشی از قصیده نخست کلیات فیض کاشانی، تفسیری از ماجرای درخت ممنوعه در داستان آدم و حواست که در آیه ۳۶ سوره بقره هم بدان اشاره شده است:

پس از جناب قدس رسیدش بشارتی	کاندر بهشت باش تو و زوجه هر دو تا
ساکن شوید فارغ و آزاد در بهشت	بی خَر و بی برودت بی جوع و بی ظما
در امن و در امان رغدا دائم الاکل	شد بر شما مباح کلا حیث شئتما
گردید طبیات جنان بر شما حلال	جز این درخت بارور جمله میوه ها
اصناف میوه ها همه در یک درخت جمع	سَری است بر یگانگی ذات ما گوا
این بر شما حرام شد و غیر این حلال	خود را میفکنید از این نهی در بلا
... آدم فریب خورد و درآورد در خیال	کورا از آن درخت نصیبي است بعنا
چون برگرفت از آن ثمری، خورد از آن بری	در خویش دید. ذل و زلل، خواری و خطا
آن حلّه ای که داشت ببر، رفت از برش	عریان شد از لباس کرامت به يك ادا

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۳۷-۲۴۰)

نمونه زیر نیز تفسیری است از عهد و میثاق انسان با خدا در عالم ذر که خداوند در آیه ۱۷۲ سوره اعراف بدان اشاره کرده است:

ذریتش چو ذره ز ظهرش ظهور کرد	مجموع ز ابتدا همگی تا به انتها
از حق ندا رسید الست بریکم گفتند	جملگی ز دل و جان بلی بلی
اول محمد و علی و اهل بیت گفت	بدوش ز مصطفی شد و اولاد مصطفی

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۴۲)

به عقیده فیض نخستین کسی که به ندای حق پاسخ داد، پیامبر (ص) و به دنبال ایشان امامان (ع) بودند.

همچنین ابیات زیر تفسیری است از آیه ۳۱-۳۳ سوره بقره که خداوند در آن به خلیفه الهی آدم (ع) اشاره کرده است:

کردش خلیفه خود و تعلیم آن نمود	اسماش با مظاهر، از عرش تا ثری
آن که به معجبان ملایک خطاب کرد	کاینک خبر کنید ز اسماء من مرا
گفتند کار تست منزّه ز علم کس	ما را چه علم و چه خبر از اسم هولاء
عالم تویی و هرکه تواش علم داده ای	ما جاهلیم گر ندهی معرفت به ما
فرمود من نگفتم هنگام اعتراض	جز ما خبر ندارد ز اسرار کار ما
تسلیم حکم من بنمایید و تن دهید	تا بر مراد خویش کنم بر شما قضا
گفتند سمع و طاعت و تسلیم و انقیاد	دادیم مر ترا بدل و جان کما تشاء
پس دست قدرت از قبل حق نهاده شد	بر پشت آدم صفی آن میر اصطفاء

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۴۱-۲۴۲)

اثرپذیری گزاره‌ای

این نوع اثرپذیری به اقتباس و حل بخش‌پذیر است. در اقتباس، عبارات قرآنی یا حدیثی عیناً در شعر تکرار می‌شود. لیکن در حل مفهوم کلام باز می‌گردد.

اقتباس

«اقتباس» از ریشه «قبس» می‌باشد. اصل این واژه عربی است. در فرهنگ دهخدا چنین آمده که اقتباس واژه‌ای عربی و مصدر، به معنی فرا گرفتن آتش و علت آن است، که از ریشه قبس به معنی آتش پاره است (دهخدا، ۱۳۳۸: ذیل واژه) و در اصطلاح، عبارت است از این که شاعر یا نویسنده در ضمن کلام و شعر خویش آیه و یا حدیثی بیاورد و به گونه‌ای نشان دهد که مأخذ گفتارش کجاست. اقتباس در حقیقت استعمال یک معنای پخته و کامل است (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۷۳).

در واقع در این نوع، شاعر در تلاش است تا گزاره یا همان عبارت روایی یا قرآنی را به همان شکل عربی و بدون هیچ دگرگونی یا با کمی تغییر که در تنگنای وزن و قافیه مجالی برای آن نیست، در کلام خود بگنجاند. مانند «صهباى الست» و «قالوا بلى» در بیت زیر:

سوی ما آید مخموران صهباى الست	تا برون آریمتان از عهده قالوا بلى
-------------------------------	-----------------------------------

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۸۸)

یا «يَضْرَهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ» (بقره/ ۱۰۲) در نمونه زیر:

از بهر فساد و جنگ جمعی مردم	کردند به کوی گمراهی خود را گم
در مدرسه هر علم که آموخته‌اند	فی القبر یضّرهم ولا ینفعهم

(همان: ۲۰۳)

«سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً» (انسان / ۲۱):

شراب طهور نامند قال الله تعالی وسقاهم ربهم شرابا طهورا

(همان: ۲۰۸)

«عَنْ صَلَاتٍ سَاهُونَ» و «هُمْ يُرَاءُونَ» (ماعون / ۵-۶):

اي تاج عن الصلوه ساهون سرکرده جمع هم يراون

(همان: ۲۱۹)

فیض با توجه به آیه ۵۳ سوره مبارکه زمر ابیات زیر را سروده است. قرآن کریم می‌فرماید: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ [ای پیامبر،] بگو: [خدا می‌فرماید:] ای بندگان من، [آنان] که به زیان خویش زیاده روی کرده‌اید از رحمت خدا ناامید مباشید که قطعاً خدا تمام گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او همان بسیار آمرزنده مهربان است.

ای جمله تقصیر در بندگی‌ها
شد حق منادی قل یا عبادی
رو آب شو از شرمندگی‌ها
تو جان ندادی کو بندگی‌ها

(همان: ۹)

من بفتراک غم عشق کسی بسته‌ام
دل را به حبل من مسد

(همان: ۳۳)

فیض جان ده درهش تسلیم شو
لن تنالوا البر حتی تنفقوا

(همان: ۳۲۶)

اقتباس و تضمین در ابیات زیر مشهود است:

مستم ز ندای لاله الاهو
هستم ز برای لاله الاهو
این مستی من ز لاله الاهو
جانم به فدای لاله الاهو
داریم جمال لاله الاهو
دیدیم جلال لاله الاهو
از دوزخ و از بهشت آزاد شدیم
جستیم وصال لاله الاهو

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۱۴)

یحیی الأرض بعد الموت را نظاره کن
تا عیان گردد ترا بعثی که حشر اکبر است

(همان: ۴۷)

مرحوم فیض در ابیات زیر نیز با توجه به اینکه به عرفان نگاهی داشته، اقتباسی از آیه شریفه قرآن نیز آورده است:

تا نگردي فانی اندر حق نیاسایی ز خود	کل شی‌هالک را مستقر باید شدن
چشم بدان دار از نیکوان دور	هم‌ینظرون را لایصرون کن
سر تا پاییم تقصیر دارد	ما مؤمرون را مایفعلون کن
تایادگاری از فیض ماند	گفتار او را مایسـطرون کن

(همان: ۳۲۶)

حل (تحلیل)

گاه شاعر برای استفاده از آیه قرآن در شعر خود، ناگزیر است در آن تغییراتی ایجاد کند به طوری که ساختار آن دستخوش دگرگونی خواهد شد تا حدی که با وزن و قافیه مورد نظر شاعر، متناسب گردد. این گونه استفاده از آیات را که به تغییر ساخت و بافت آن آیه منجر می‌شود، در زبان ادب، حل و تحلیل خوانده می‌شود. در بیت زیر فیض کاشانی «تحبوا فاتبعوا» و «یحیبکم» را از آیه ۳۱ سوره آل عمران تحلیل کرده است:

آن تحبوا فاتبعوا را خوانده ای سوي یحیبکم بگیر این راه را

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۸۸)

در نمونه ای دیگر تحلیل در «اعف عَنَّا»، «رَبَّنَا» و «واغفرلنا» را از آیه ۲۸۶ سوره بقره تحلیل نموده است.

اعف عَنَّا ذنبنا، یا ذا لکرم تب علینا رَبَّنَا واغفرلنا

(همان: ۲۴۶)

و در نمونه ای دیگر واژگان قرآنی را به صورت جابجا و نامرتب به کار برده است:

خدای گفت که للنَّاسِ زینت شهوات بخوان تمام کلام و به معنیش پی بر

(همان: ۳۱۲)

که «لِلنَّاسِ زینت شهوات» تحلیلی از آیه ۱۴ سوره آل عمران است که خداوند در این آیه می‌فرماید: «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النَّسَاءِ».

اثربخشی الهامی-بنیادی

شاعر در این روش پایه و خمیر مایه کلام خود را بر اساس آیه، حدیث یا روایتی شکل می‌دهد. در واقع سروده خود را با تکیه بر آن نکته الهام گرفته شده، پی‌ریزی می‌کند. سخنی را خلق می‌کند که خواننده آن را در پیوند با آیه یا حدیث می‌بیند. فیض کاشانی در مصرع دوم بیت زیر بیان می‌کند که آرزوهای دنیوی سبب ناکامی انسان می‌شود:

عقل جزئی عقل را بدنام کرد کام دنیا مرد را ناکام کرد

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۹۸)

براساس آیه ۵۱ سوره اعراف، خداوند انسانی را که اسیر آرزوهای دنیوی هستند، فراموش می‌کند و که فیض این فراموشی خداوند را ناکامی دانسته است.

طاعت نپذیرند در آن نیست چو تقوا زهار مکن معصیتی داخل طاعت

(همان: ۴۰۶)

مرحوم فیض با الهام گرفتن از قرآن کریم مبتنی بر مهر و غضب پروردگار و نازل شدن عذاب الهی بر قوم نوح، موسی، ثمود و... از خداوند مسئلت می‌کند که ما را عذاب نکند. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۳ می‌فرماید: *وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ* و بترسید از روزی که هیچ کس اندکی به کار دیگری نیاید و به حال او سودی نبخشد و از هیچ کس فدایی پذیرفته نشود و شفاعت کسی او را سودمند نبود و آنان را یآوری نباشد.

چشم بصیرت به خود نور پذیرتی شود نور بصیرت دل از صاحب انما طلب
راحت و امن و عافیت گر طلبی در این جهان زهد و قنوع پیشه کن مملکت رضا طلب

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۳۳)

با آن که تو در میان جانی جویای توایم در کرانه‌ها
عاجزم از شکر نعمت‌های تو عجز ما بی‌بگزار کفران ما
سوخت خارستان ما یکبارگی شد گلستان کلبه احزان ما

(همان: ۴۷۷)

همچنین کاشانی در بیت زیر میان تفکرات خود و آنچه که بازگو می‌کند، اختلافی آشکار می‌بیند، لذا متذکر می‌شود که ای مسلمانان چرا سخنان و اعمالتان متفاوت است؟

حال او دور است از قالش خدا می‌داند این هست فرسخ‌ها میان حال فیض و قال فیض

(همان: ۱۵۸)

که الهامی است از آیه ۲ سوره صف که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ الا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟»

اثرپذیری تلمیحی

تلمیح یکی از نمونه‌هایی است که معنای خود را در بینامتنیت حفظ کرده است. نکته‌ای که در تلمیح وجود دارد این است که این احتمال وجود دارد که واژگانی که در شعر به کار می‌روند، دقیقاً عین الفاظ منبع و مأخذ نباشند. این همان نکته‌ای است که سبب شباهت تلمیح با اثرپذیری الهامی-بنیادی می‌شود. لیکن باید دقت نمود که تلمیح نشانه و علامتی به همراه دارد و خواننده از طریق آن می‌تواند به مورد مؤثر راه یابد. علاوه بر آن اگر خواننده با منبع اثر آشنایی لازم و کافی را نداشته باشد، با توجه به این اشاره و علامت می‌تواند درصدد جستجوی منبع اصلی برآید. به عنوان نمونه فیض کاشانی در بیت زیر تلمیح به داستان حضرت ابراهیم (ع) و پدرش آذر دارد که این دو در ایمان در مقابل هم قرار گرفته‌اند و تلمیحی است به آیه ۷۴ سوره انعام:

توئی وصل و توئی هجران، توئی منع و توئی احسان وئی کفر و توئی ایمان، تو ابراهیم و تو آذر

(همان: ۲۹۷)

در جایی دیگر شاعر با استناد به آیه ۲۹-۳۰ سوره مریم به داستان حضرت عیسی (ع) تلمیح می‌زند و سخن گفتن امام جواد (ع) را در خردسالی به سخن‌گویی و معجزه حضرت عیسی در سن کودکی تشبیه می‌کند.

فیض تلمیحی به روز «الست» از دیدگاه عارفان دارد، این در حالی است که از پیدایش نخستین انسان سخن گفته است:

چو نقاش ازل طرح جهان کرد محبت را چو جان در وی نهان کرد
شراب عشق بر آفاق پیمود جهان را سر به سر لبریز جان کرد

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۷۷)

فیض در بیت زیر اشاره به «نفخه صور» را ندارد، بلکه منظور وی ارادت‌های گاه و ناگاه معشوق می‌باشد. او از این طریق از صنعت تلمیح استفاده کرده است:

عقده‌ای را به نفخه بگشاید

دم به دم صور عشق در دل من

(همان: ۱۷۲)

در بیت زیر نفخه تلمیحی زیباست که باتوجه به آیه ۵۱ سوره یس سروده شده است. قرآن کریم می‌فرماید: وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (چون بار دوم) در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می‌شتابند.

بیدار شود هر که به خواب است در اینجا

آید ز سرافیل چو یک نفخه به گوشش

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۹۵)

نمونه‌هایی که ذکر می‌شود نیز نوعی اثرپذیری تلمیحی از سوره زمر آیه ۵۳ است: صفحات ۵۰۹، ۵۲۰، ۴۸۸، ۴۸۷، ۴۸۴ و ۴۸۵.

اثرپذیری تأویلی

در این روش شاعر، تأویل حدیث یا آیه‌ای از قرآن کریم را در شعر خود جای می‌دهد. از جمله ابتکارات شاعر در این روش، وصول به باطن آیات و دستمایه قرار دادن آن‌ها در شعر است. این نوع از اثرپذیری علیرغم سایر اثرپذیری‌ها که گاه آشکار و گاه پنهان هستند، پیوسته به صورت آشکار است. به عنوان مثال مولانا تأویل عارفانه‌ای از «حب الوطن» را در این بیت به کار گرفته است:

پیش عاشق این بود حب‌الوطن

مسکن یارست و شهر شاه من

(مولوی، ۱۳۹۹: ج ۳/۳۸۰۷)

ظاهر حدیث دلالت دارد بر اینکه میهن دوستی نشانه ایمان است (حب الوطن من الایمان). مولانا با به تأویل بردن موطن زادگاهی به وطن یار، تأویلی عارفانه به کار می‌برد.

فیض در قصیده ای درخت ممنوعه در داستان آدم و حوا (ع) را درخت علم پیامبر (ص) و امامان (ع) تأویل نموده است. در حالی که این در آیات قرآن نیامده است و تأویل فیض از آیه ۱۲۰ سوره طه است.

سوی وصال خویشن می‌کندم اشارتی
اهل صفا کنند سعی بهر چنین زیارتی
از عـرب ملاحظـش منتظرند غارتی
نیست برای عاشقان بهتر از این تجارتی

هر نفسی از جناب دوست می‌رسیدم بشارتی
کعبه من جمال او می‌کنمش به دل طواف
در عرفات عشق و هست متاع جان بسی
ذبح منی کنیم ما تا ببریم از او لقا

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۲۷۶)

خداوند در سوره مائده آیه ۱۹ می‌فرماید: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمد که برای شما (حقایق دین را) بیان می‌کند در روزگاری که پیغمبری نبود، تا نگویید: رسولی که بشارت و بیم (به ثواب و عقاب) دهد بر ما نیامد. پس آن رسول بشارت ده و بیم‌آور به سوی شما آمد؛ و خدا بر هر چیز تواناست. در این ابیات شاعر خطابی را که متوجه اهل کتاب است، به تأویل برده و آن را متوجه خود دانسته و آن را بشارتی برای وصل به پروردگار دانسته است.

نفس پیغمبرست و سر خدا چه توان گفت در ثنائی علی

(همان: ۳۹۳)

بیت اخیر برگرفته از آیه ۶۱ سوره آل عمران است که فیض در آن واژه «انفسنا» را به نام امام علی (ع) تأویل نموده است.

اثربرداری تطبیقی

نوع دیگری از اثربرداری وجود دارد که شاعر در آن بدون اینکه قصد نقد، رد، تأویل یا توجیه مسئله‌ای را داشته باشد، بین آیه و سخن مدنظر تطبیقی صورت می‌دهد. در این روش عموماً معنی اول و اصلی آیه یا حدیث مد نظر نیست و همین امر بارزترین تفاوت بین تأویل با تضمین است. «از این روی می‌توان تشبیه و تمثیل‌هایی را که مشبه به آن‌ها قرآنی است، اثربداری تطبیقی خواند» (راستگو، ۱۳۸۷: ۵۹). به عنوان نمونه فیض در این زیر آب رودهای مازندران را به چشمه‌های بهشتی مانند کرده است که برگرفته از آیه ۱۸ سوره انسان است:

در آب مزاج زنجبیل است گوئی از عین سلسبیل

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۲۱)

فیض در بیت زیر اشاره به این مسئله دارد که الله اولی بالمؤمنین. هدف این روش دستیابی به باطن آیه یا حدیث نیست، بلکه شاعر در تلاش است بین کلام خود، آیه، حدیث یا سخن تطبیق ایجاد نماید. این امر در حالی است که از نظر ظاهری هیچ پیوندی بین آن‌ها نیست.

با من آن کن که مصلحت دانی که مرا در صلاح توست صلاح

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۴)

به عنوان مثال می‌توان به این بیت از مولوی اشاره کرد در این بیت مردان خدا سایه یزدان شمرده شده که با آیه ۴۵ فرقان (أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا) آیا ندیدی که خدای تو چگونه سایه را با آنکه اگر خواستی ساکن کردی (بر سر عالمیان) بگسترانیدی؟ آن گاه آفتاب را بر آن دلیل قرار دادیم) تطبیق دارد:

سایه یزدان بود بنده خدا مرده این عالم و زنده خدا

(فیض کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۹۹)

اثریذیری تصویری

در این شیوه کلام شاعر، تصویری را در خود جای می‌دهد که برگرفته از قرآن کریم یا روایات است. صنایع مختلفی در این سبک به کار می‌روند. از جمله تشخیص، تجسیم، کنایه، مجاز، استعاره و تشبیه. در واقع در این نوع اثریذیری شاعر استعاره یا تشبیهی را که در حدیث یا آیه‌ای آمده به طور مستقیم یا غیر مستقیم در همان حال و هوا یا در حال و هوای دیگر بازسازی کرده یا به گونه‌ای دیگر کلام خود را حول محور آن تصویر قرار می‌دهد و شعر خود را خلق می‌کند (راستگو، ۱۳۸۷: ۶۱).

در بیت زیر مرحوم فیض با استمداد از آیه الهی تصویری از توسل به وجود می‌آورد که در واقع ابزاری برای قرب الی الله است. این امر شاعر را شأن و منزلت می‌دهد:

ز مهر اولیاء الله شأنی کرده‌ام پیدا برای خویش عیشی جاودانی کرده‌ام پیدا
رسا گر نیست دست من به قرب دوست یکتا ز مهر دوستانش نردبانی کرده‌ام پیدا

قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ فرموده: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

در این عبارت واژه نردبان اشاره‌ای به تقرب الهی است. همانگونه که از آیه شریفه نیز برداشت می‌شود که می‌فرماید به ریسمان الهی چنگ بزنید.

ولای آل پیغمبر بود معراج روح من بجز این آسمان‌ها آسمانی کرده‌ام پیدا
بحبل الله مهر اهل بیت است اعتصام من برای نظم ایمان ریسمانی کرده‌ام پیدا

بیت زیر تصویری از آیه ۱۸۷ سوره بقره را باز می‌نماید: وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَسْبَغَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَخْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ وَبَخُورِيدٍ وَبِشَامِيدٍ تَا خَطِ سَفِيدِ رُوزِ از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد.

بترسم که چون روز نخ برکشد چو ایشان مرا سوی دوزخ کشد

(راستگو، ۱۳۸۷: ۶۲)

جهان و هر چه در او هست مختصر است ز اهل معرفت این مختصر دریغ مدار

(حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۶۷)

حافظ در این بیت در واقع تصویری از جهان بی‌ارزش را به نمایش می‌گذارد که بنا بر فرمایش قرآن چیزی بیش از لُهو و لعب نیست.

اثربرداری ساختاری-سبکی

نوع دیگری از اثربرداری وجود دارد که در آن، شاعر کلامش را در بافت و ساختاری قرار می‌دهد که همخوان و همسان باشد. شباهت ساختار مثنوی با قرآن کریم در عدم پیوستگی مطالب مثالی از این گونه ساختارپذیری در شعر مولانا می‌باشد. به عنوان نمونه مولوی در دفتر سوم به بیان داستانی می‌پردازد و بدون اینکه داستان را خاتمه دهد، وارد داستان دیگری درباره اهل صبا و طغیان آن‌ها در برابر نعمات الهی می‌شود. سپس به داستان معجزه مسیح و شفا دادن او می‌پردازد. مولانا در ادامه به داستان اهل صبا باز می‌گردد و در مرحله بعد داستان روستایی را که با آمدن خواجه به روستای اوست، از سر می‌گیرد. در واقع این گونه اثربرداری، اثربرداری ساختاری سبکی می‌باشد که به نوعی گسیختگی در نقل داستان است. در اثربرداری ساختاری سبکی ظاهر ابیات به گونه‌ای است که گویا با یکدیگر تداوم معنایی نداشته و جدا از هم آمده‌اند. فیض در ابیات زیر با استفاده از روش استفهامی انکاری از انسان‌ها اقرار می‌گیرد که برگرفته از آیه ۳۰ سوره انعام است که خداوند در این آیه به شیوه استفهامی انکاری می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ»

این جهان را غیر حق پروردگاری هست، هیچ دیاری بجز حق در دیاری هست؟

نیست

نیست

زین عبادت‌ها که عابد در دل شب می‌کند گر نباشد خالص آن را اعتباری هست نیست

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۵۴۲-۵۴۳)

در نمونه زیر نیز شاعر به شیوه تحکیمیه مشرکان را به سخره می‌گیرد و با لفظ محترمانه «فرمایید» آنان را مسخره و تحقیر می‌کند:

دوزخ آماده است فرمائید اِنَّ رَبَّكَ عَلَيْكَ بِالْمِرْصَادِ

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۷۱)

خداوند در آیه ۳ سوره توبه نیز همین شیوه را به کار می‌گیرد و عذاب الیم را به مشرکان بشارت می‌دهد.

اثرپذیری شیوه‌ای

یکی دیگر از گونه‌های اثرپذیری، اثرپذیری شیوه‌ای می‌باشد. منظور از این نوع تقلید در کاربری صنایع ادبی است. به عنوان مثال در بیت زیر می‌توان واژگان لامساسم و ممکناتم را جابجا نمود.

لامساسم شده همه ورد ممکناتم گرفته گرداگرد

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۸۰)

در این نوع اثرپذیری شاعر یکی از روش‌های بیانی بلاغی قرآن یا روایت را برگرفته و شعر خود را بر اساس آن شیوه بنا می‌کند. منظور از شیوه هر نوع شگرد یا فنی می‌باشد که کلام را از سطح زبان به سطح هنر و ادب رهنمون می‌سازد و بر اثربخشی و گیرایی آن می‌افزاید (راستگو، ۱۳۸۷: ۸۴). در بیت زیر نیز می‌توان کلمات عام و خاص و یا دو مصرع را جابجا کرد:

خاص را تحفه‌ای ز مغز سخن عام را بهره‌ای ز نغز سخن

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۸۵)

همچنین اگر کلمه‌ای بتواند جایگزین کلمه‌ای دیگر در شعر شود، به گونه‌ای که به معنا خللی وارد نگردد، اثرپذیری شیوه‌ای می‌باشد.

در بیت زیر می‌توان به جای واژه «خستگان» که توصیفی برای عاشق هجران کشیده است، واژه «عاشقان» را که در واقع همان موصوف می‌باشد، آورد. در این بیت نیز می‌توان عارفان را جایگزین عاشقان کرد (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۳۴).

ای که چون عمر می‌روی بشتاب خستگان (عاشقان) را به غمزه‌ای دریاب
همه کس را نمی‌دهند نشان هست مخصوص عاشقان ره حق

(همان: ۲۳۴)

از اقسام اثرپذیری شیوه‌ای آن است که سخنور بتواند از واژگان به گونه‌ای استفاده نماید که بتوان آن‌ها را جایگزین یکدیگر در شعر کرد که در این صورت از روش جایگزینی قرآن پیروی کرده است. در بیت زیر از فیض می‌توان واژگان «سیری کنی» را به جای، «گردی اگر» گذاشت.

عمر مسیح و بال ملک سیر بایدت گردی اگر به عالم بی‌منتهای فیض

(همان: ۱۴۶)

اثرپذیری چندسویه

در این نوع اثرپذیری شاعر چندین اثرپذیری را با هم به کار می‌برد. در واقع این نوع اثرپذیری ترکیبی از چند نوع اثرپذیری می‌باشد. به عبارتی شاعر در یک متن چندین آرایه را با هم استفاده می‌کند. این نوع از زیباترین انواع بینامتنیت‌های قرآنی است. به عنوان مثال در بیت زیر از حافظ سه نوع اثرپذیری واژگانی، تلمیحی، الهامی بنیادی وجود دارد:

روح القدس آر باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

(حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۹۰)

فیض کاشانی در نمونه ای با استناد به آیه ۵۵ سوره قمر «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» در عبارت «مقعد صدق» اثرپذیری واژگانی از نوع وام‌گیری و در عبارت «نزد جبار» اثرپذیری واژگانی از نوع ترجمه به کار برده است:

ز آن باده کز آن کشند اخیار در مقعد صدق نزد جبار

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۱۵)

و در نمونه ای دیگر با استناد به آیات ۵۲ سوره مریم و ۸۰ سوره طه، در واژگان «طور» و «ایمن» اثرپذیری واژگانی از نوع وام‌گیری و در کل بیت با استناد به آیه ۲۹ سوره قصص بینامتنیت به شیوه الهامی-بنیادی دیده می‌شود:

کوهش همه طور و دشت، ایمن از نور تجلی است روشن

(فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۱۵)

همچنین است ترجمه در مصرع اول بیت زیر و اثرپذیری به شیوه الهامی-بنیادی در مصرع دوم بیت:

اینک به گناه خود مقرست
یغفر مادون ذاك گفتي

بر وحدت ذات تو مصرست
در لا تقنطوا بسفتي

(همان: ۲۱۴)

و تضمین به آیه ۱۸ سوره نحل در «ان تعدّوا» و کل بیت ترجمه آیه ۳۴ سوره ابراهیم در بیت زیر:

نعمای بی کران را احصا چه سان توان کرد

تنزیل این تعدّوا واقف نمود ما را

(همان: ۲۲۸)

نتیجه گیری

یکی از دغدغه‌های مهم مسلمانان در طول تاریخ همواره کسب عرفان و معرفت و باورمندی به اصول شریعت و آیات قرآن بوده است و از آن آنجایی که مفسر قرآن هم بوده است، در اغلب ابیات وی می‌توان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حضور واژگان، عبارات و آیات قرآنی را دریافت. با مطالعه اشعار او، بینامتنیت و وام‌گیری‌های قرآنی به وضوح نمایان می‌گردد. وی در بینامتنیت‌های قرآنی بیش از همه از شیوه ترجمه به آن هم به صورت واژگانی و گزارشی بهره برده است. در تضمین‌ها هم بیشتر آیات مشهور و پرکاربرد را به کار برده که برای مخاطب آشنا بوده است و بدین گونه اشعارش در میان مردم اثر و نفوذ بیشتری یافته است. اگر چه فیض کاشانی در بیان مضامین عارفانه به خوبی عمل کرده و پرده از احساسات عارفانه خود برداشته است، به زبان شعر از حب اهل بیت و عشق به خدا سخن رانده است. در بینامتن‌های قرآنی نیز بسیار دقت نظر داشته و اصل امانتداری را رعایت نموده است.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم

- امینی، عبدالحسین بن احمد، (۱۴۱۴ق)، *الغدیر فی الکتاب والسنة والادب*، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۷)، *نقد متن*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۸)، *لغت‌نامه دهخدا*، مصحح محمد معین، تهران: چاپ سیروس.
- راستگو، محمد، (۱۳۸۷)، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، (۱۳۶۹)، *دیوان حافظ*، مصحح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: انتشارات زوار.

- فیض کاشانی، ملا محمد بن مرتضی بن محمود، (۱۳۸۸)، **هشت در بهشت: ده رساله از علامه فیض کاشانی**. تهران: پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- فیض کاشانی، ملا محمد بن مرتضی بن محمود، (۱۳۷۲)، **کلیات اشعار فیض کاشانی**، تصحیح و مقدمه محمد پیمان، چاپ پنجم، تهران: سنایی.
- فیض کاشانی، ملا محمد بن مرتضی بن محمود، (۱۳۸۰)، **سراج السالکین، منتخب مثنوی معنوی**، تصحیح جویا جهانبخش، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز نشر میراث مکتوب.
- قائم‌نیا، علیرضا، (۱۳۸۹)، **بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاشفی سبزواری، میرزا حسین، (۱۳۶۹)، **بدایع الافکار فی صنایع الاشعار**، تهران: مرکز.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، (۱۳۷۴)، **تاریخ کاشان**، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۹۹)، **مثنوی معنوی**، تصحیح رینولد نیلکسون، تهران: نگاه آشنا.
- ناجی نصرآبادی، محسن، (۱۳۸۷)، **کتابشناسی فیض کاشانی**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و مدرسه عالی شهید مطهری.
- نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۰)، **درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها**، تهران: سخن.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۹۴)، **علوم بلاغت و صناعات ادبی**، تهران: نشر سخن.
- راشد محصل، محمدرضا، (۱۳۸۹)، **نشانه‌شناسی ادبی در کاربرد قرآن و حدیث**، مشهد: انتشارات آهنگ قلم و روزگار.

مقالات

- امانی، رضا و همکاران، (۱۳۹۲)، **بررسی چگونگی ارتباط قرآن و شعر جاهلی با رویکرد بینامتنیت**، فصلنامه مطالعات ادبی-قرآنی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷۳-۹۳.
- سلیمی کوچی، ابراهیم، **مناسبات بینامتنی و التفات به گفت و گومندی در زبان شعری قیصر امین‌پور**، اصفهان، ماهنامه جستارهای زبانی، شماره ۱۹، صص ۸۱-۱۰۰.
- سیفی، طیب، (۱۳۹۰)، **بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم**، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال پنجم، صص ۷۱-۷۹.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: معمارزاده پیمان، اسلامی اسماعیل، **بررسی بینامتنیت‌های قرآنی در سروده‌های فیض کاشانی**، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۶۰، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۴۸-۱۲۳.